

محمدرضا باهنر:

تورم از ۷ سال پیش ۶۰۰ درصد افزایش پیدا کرده، این یعنی فاجعه!



سرویس سیاسی – محمدرضا باهنر فعال سیاسی اصولگرا گفت: من در مورد تورم به‌شما می‌گویم که مادر طول صدسال‌اخیر تاریخ ایران، یعنی پنجاه سال قبل از انقلاب و پنجاه سال بعد از انقلاب، هیچ وقت هفت سال پشت سر هم تورم ۴۰ درصدی نداشته‌یم؛ اما الآن این را داریم و این خیلی زیاد است؛ فاجعه است.

محمدرضا باهنر فعال سیاسی اصولگرا گفت: من در مورد تورم به شما می‌گویم که ما در طول صدسال اخیر تاریخ ایران، یعنی پنجاه سال قبل از انقلاب و پنجاه سال بعد از انقلاب، هیچ وقت هفت سال پشت سر هم تورم ۴۰ درصدی نداشته‌یم؛ اما الآن این را داریم و این خیلی زیاد است؛ فاجعه است.

در ادامه گزیده گفتگوی او را می‌خوانید:

– یک‌سری عواملی است که این تورم را ایجاد می‌کند؛ این‌جوری نیست که مجلس بگوید من تصویب کردم که تورم نباشد و آن‌هم گوش می‌کند؛ تورم به قانون نرسد؛ ما از حوزه انتخابیه خود داریم این است که مثلا کارمندی می‌گوید تورم را درستش بکنید تا این تورم آرام بشود. ما در سال ۷۴، زمان دولت آقای هاشمی رفسنجانی تورم ۹۹و نیم درصدی را هم داشتیم، اما بلافاصله تر مدستی را کشیدیم و سال بعدش ۱۲ درصد شد.

– راجع به محاسبه رشد تورم هم این را به شما بگویم که ۷ سال تورم ۴۰ درصدی، ۲۸۰ درصد نمی‌شود؛ زیرا این تصاعد هندسی است؛ یعنی ۷ تا ۴۰ درصد پشت سر هم، ۶۰۰ درصد می‌شود و این وحشتناک است.

– حالا که می‌خواهید جلو این تورم را بگیرید، چه کار باید بکنید؟ چند روز پیش نماینده جدید مجلس آمده بود، من با ایشان صحبت کردم و گفتم شما اولین مطالبه‌ای که از حوزه انتخابیه خود دارید این است که محلا کارمندی می‌گوید تورم ۴۰ درصد است، اما حقوق ما ۲۰ درصد اضافه‌شده است؛ این عادلانه نیست. شما می‌گویید چشم، من رقم در مجلس حقوق شما را هم ۴۰ درصد می‌کنم. به‌محض اینکه حقوق اینها را ۴۰ درصد کردید، آن وقت تورم می‌شود ۵۰ درصد. اگر حقوق ما ۵۰ درصد کردید، تورم ۷۰ درصد می‌شود. بنابراین، مشکل تورم مسئله کوچک نیست که شما فکر کنید که با یک مصوبه‌ای بشین یا شو می‌توانید تورم را مدیریت و مهار بکنید؛ امکانات و پیچیدگی‌های آن را نیز در نظر بگیرید.

– من در مجموع، دولت آقای پزشکیان را یک دولت معتدل و خوب می‌دانم. در دولت از نیروهای معتدل جناح‌های مختلف استفاده کرده است؛ از تندتیزهای شان استفاده نکرده است. آدم‌های هنجارشکن و آدم‌هایی که به قول معروف، به صورت همدیگر پنجه بیندازند، در این دولت انتخاب نشده است. به همین دلیل، جریانات تند سیاسی هر دو طرف، از دست آقای پزشکیان دل‌خوشی ندارند؛ هم اصلاح‌طلبان تندرو، می‌گویند آیا، چه شد؟ قرار دو فلان باشد، چرا نشد؟ و هم بعضی از جریاناتی مسما به اصول‌گرای.

– من بارها و بارها این مسأله را عرض کرده‌ام که بالاخره نظام جمهوری اسلامی پایه‌های قدرتش از آراه مردم شکل می‌گیرد. ممکن است چنین نظامی در کشورهای مختلف اسامی مختلفی داشته باشد؛ یکی می‌گوید جمهوری، یکی می‌گوید دموکراسی و امثال آن، ولی ما به آن می‌گوییم مردم‌سالاری دینی. خیلی به اسمش کار نداریم؛ ولی من اعتقاد جدی دارم که به‌طور کلی، حکومت‌هایی مبتنی بر رأی مردم و مردم‌سالاری، یکی از ابزارهای غیر قابل اجتناب آن‌ها، مسئله حزب است.

– من نمی‌گویم قطعنامه‌ها ورق‌پاره است؛ نه، خیلی آسیب می‌رساند، اذیت می‌کند، هزینه دارد، هزینه‌های ما بالا می‌برد، اما باید به هر کدامشان وزن مناسب خودشان را دارد. در دنیا هم خیلی از کشورها را داریم که اصلا تحریم نیستند، ولی گرسنه گرسنه‌اند. باید از این طرز فکر هم اجتناب کنیم که تمام راه‌حل مشکلات اقتصادی ما دیپلماسی است.

– دولت باید مشکل بی‌اعتمادی را حل کند. من می‌تال می‌زنم؛ دولت آقای احمدی‌نژاد با اینکه اشتکالاتی داشت، اما در جریان هدمفندی پاره‌ها یک همکاری جدی بین مجلس و آن دولت به وجود آمد. ما برای اینکه پاره‌انه انرژی را هدمفند کنیم، حدود ۱۰۰ اقدام لازم را لیست کردیم؛ یک‌سری اقدامات پیشنی، یک‌سری اقدامات حین اجرا و یک‌سری هم اقدامات پسینی بود. بعد هم به این نتیجه رسیدیم که باید به هر ایرانی ۴۰ هزار تومان پاره‌انه انرژی بدهیم. این پول‌ها نیز به حساب‌های مردم رفت، اما گفتم تا قیمت انرژی عوض نشود این پول را نمی‌توانید از حساب‌تان بردارید.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات؛

بسته‌ای که برای ساماندهی موضوع فیلترینگ مطرح شده کلی است

سرویس سیاسی – وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات گفت: یک طرح کلی در خصوص موضوع رفع فیلترینگ مطرح است و سامانه‌ها با پلتفرم خاصی را مصداقی بیان نکردیم، کلا صحبتی که در این طرح مطرح است، یک بسته است. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تأکید کرد: الان وضعیت با ادله مختلف، وضعیت مناسبی نیست این را صحبت کرده‌ام که در یک برنامه مشخص امیدواریم پیش ببریم. من و عنوان کرد: درحال حاضر فیلتر شکن‌ها باعث شده که بدون هیچ محدودیتی عملا دسترسی‌ها وجود دارد و هیچ محدودیتی روی آن نیست، این بخ‌دغه جدی است.

وقتی آن نرسیده که این شبکه‌ها، رفع فیلتر شوند، گفت: یک طرح کلی در این خصوص مطرح است و سامانه‌ها با پلتفرم خاصی را مصداقی بیان نکردیم، کلا صحبتی که در این طرح مطرح است، یک بسته است. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تأکید کرد: الان وضعیت با ادله مختلف، وضعیت مناسبی نیست این را صحبت کرده‌ام که در یک برنامه مشخص امیدواریم پیش ببریم. من و عنوان کرد: درحال حاضر فیلتر شکن‌ها باعث شده که بدون هیچ محدودیتی عملا دسترسی‌ها وجود دارد و هیچ محدودیتی روی آن نیست، این بخ‌دغه جدی است.

تماس با اقتصادکیش

۴۴۴۲۴۹۹۹

سیاسی

فرهاتچی دبیر کل حزب اراده ملت:

اجماع بر سر بعضی از مسائل بنیادی هم امکان‌پذیر و هم ضروری است

■ **دبیر کل حزب اراده ملت گفت: عدم ایجاد وفاق بستری رانته برای گروه‌های متعدد آشکار و پنهان ایجاد کرده است. اگر وفاق محقق شود مزایا و رانت این گروه‌ها از بین می‌رود و بازیگران جدید وارد صحنه می‌شوند. اگر یک وفاق گفتمانی حول محور ایران، منافع ملی، شهر و ندمداری و قانون مداری ایجاد شود بسیاری از بازیگران فعلی باید صحنه را ترک نمایند.**



سرویس سیاسی – افشین فرهاتچی دبیر کل حزب اراده ملت ایران در ارزیابی رویکرد وفاق ملی دولت چهاردهم تا به امروز گفت: دولت چهاردهم از ابتدای امر بر رویکرد وفاق تأکید کرده است، اما هنوز تصویر دقیق و شفافایی از وفاق را نتوانسته ارائه کند، از این رو در عرصه عمل نمی‌توان مستند به آن تصویر صحبت کرد. لازم است دولت خیلی سریع

تعریف خود از وفاق را ارائه کند و بعد وارد مرحله عملی‌سازی آن وفاق شود. لازم بود صاحب‌نظران، اندیشمندان و روشنفکران مرتبط با دولت تا اینجای کار این مفهوم مرکزی را واکشاکفی کنند و تعریف دقیق و مرکزی که در دولت‌های خاتمی و روحانی به کار گرفته شد. البته در آن زمان هم دچار چنین مشکلی بودیم ولی ایهامات در مورد حاکمیت قانون به عنوان دال مرکزی دولت خاتمی و اعتدال به عنوان دال مرکزی دولت روحانی کمتر بود.

اجماع بر سر بعضی از مسائل بنیادی هم امکان‌پذیر و هم ضروری است
وی افزود: مجموعه اقداماتی که تا امروز تحت عنوان وفاق صورت گرفته است، در راستای راهبرد آقای پزشکیان و برای جلوگیری از تنش بیشتر بین نیروهای حاکمیت‌بوده و تا حدودی هم موثر واقع شده است. حضور افرادی از طیف‌های مختلف در کابینه و هیات دولت، رای اعتماد مجلس به وزرا، عطفوت نشان داده شده از جانب قوه قضاییه، نشانه‌های بارز این راهبرد است. اما در مورد وفاق و گفتمان مبتنی بر وفاق باید عمیق‌تر به مسئله نگاه کرد. به نظر هنوز نه صورت بندی مناسبی از مفهوم وفاق صورت گرفته و نه مجموعه دولت بطور منسجمی این موضوع را دنبال می‌کند. فرهاتچی در پاسخ به این سوال که برخی معتقدند که در جهان فعلی امکان‌وفاق به معنای اجماع وجود ندارد و باید دنبال اصلاح قوانین و رویه‌هایی باشسیم که تکثیر‌ها را به رسمیت بشناسد نظر شما در این خصوص چیست گفت: از دید من، اجماع بر سر بعضی از مسائل بنیادی امکان‌پذیر و هم ضروری است. متأسفانه به دلایل عدیدهای، این شرایط تاکنون در کشور حتی در بحث‌های نظری نیز فراهم نشده است که ما بر سر مسائل کلیدی و بنیادی سیاست و حکمرانی به بحث و گفتگو بشنینیم و بخش‌های قابل اجماع را احصا کنیم. ولی بحث دموکراسی، حقوق اقلیت، منافع ملی، شهر و ملی مداری، محوریت قانون؛

تاکا تا از جمله مسائلی است که باید همگن در مورد آن بحث کنیم و اجماعی در حوزه نظری بین خود ایجاد نماییم. تا جایی که من در فضای روشنفکری و سیاسی می‌بینم، ما در رابطه با این مسائل بنیادی نیز اجماع نداریم. از همین رو است که در سایر مسائل هم با مشکل روبرو می‌شویم. بعضی منافع ملی را هم عرض منافع نظام سیاسی می‌بینند، بعضی بحث ملت دولت را قبول ندارند و به امت واحد تأسی می‌کنند، بعضی بر دموکراسی تشکیک وارد می‌کنند و الگوی شهروند درجه یک و درجه دو را ترجیح می‌دهند. بعضی تقابل بین قانون و سنت یا شرع را پررنگ می‌کنند. همه این موارد نشان می‌دهد که هر اجماعی در ایران باید ابتدا در سطح نظری و بنیادین حل و فصل شود و سپس به سایر سطوح تسری پیدا کند. اصلاح قوانین هم در همین بستر باید اتفاق بیفتد، یعنی ابتدا اجماع بر سر مسائل بنیادین، لاقبل بین اکثریت جامعه ایجاد شود و بعد بر اساس آن قوانین تدوین شوند. این

دولت پزشکیان سریع‌تر با تحقق وفاق داخلی به کار اصلی‌اش که بهبود جایگاه جهانی ایران است، بپردازد

فرهاتچی در پاسخ به اینکه آیا جریان رقیب دولت در جایی که به ضررش باشد زیر بار این ایده خواهد رفت یا کم‌تکان به سنگ اندازی خود ادامه می‌دهد، گفت: جریان رقیب دولت یک‌دست نیست. بخشی از این جریان که کوچک هم هست، تحت هیچ شرایطی به وفاق و اجماع نمی‌انديشد. آنها گروهی هستند که همه قدرت را برای خود می‌خواهند و خود را حق مطلق می‌دانند. ایشان با قرائت‌های خاص خود از دین و سنت، بسیاری دیگر را متکوب کرده و با خود هم‌تراز نموده‌اند و از این رو خود را بزرگ‌تر از آنچه هستند، می‌نمایانند. و گرنه بخش وسیعی از جریانات رقیب هم از شرایط موجود احساس رضایت ندارند. عدم رشد و پیشرفت، درگیری‌های مداوم، تورم و گرانی، چنل‌های بی‌پایان داخلی و خارجی مورد طبع اکثریت جریان‌های رقیب دولت نیز نیست. لذا اگر دولت پزشکیان با پشتوانه‌ای که از آنی مردم دارد و حمایتی که مقام رهبری از ایشان داشته‌اند، هوشمندانه

معاون وزیر کشور:

تکلیف همه استانداران طی ۲ تا سه هفته آینده مشخص می‌شود

معاون سیاسی وزیر کشور اضافه کرد: همچنین استانداران در زمینه تحقق گفتمان وفاق ملی و یکارگیری نیروهای بر اساس توانمندی‌ها و منطبق بر گفتمان رییس جمهور و اجزرای سیاست‌های کلی نظام، سوابق اجرایی اساسی و برنامه توسعه هفتم مورد ارزیابی قرار می‌گیرند که حاصل این شاخص‌ها رضایت‌مندی مردم است.
معاون سیاسی وزیر کشور امروز برای معارفه استاندار جدید یزد به این استان سفر کرده بود.

وی با بیان اینکه وزیر کشور اولویت‌هایی برای انتخاب استاندار مشخص کرده است اظهار کرد: این شاخص منطبق با گفتمان رییس جمهور است. زینی وند، کارآمدی، مردم‌داری، توانمندی، دست‌پاکی، تعامل، سوابق اجرایی انجام فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد اشتغال را از جمله شاخص‌های انتخاب استانداران ذکر و گفت: استانداران دولت چهاردهم بر اساس شاخص‌های خاصی انتخاب می‌شوند و بعد از یکسال با همین شاخص‌ها با اعداد و ارقام ارزیابی مجدد می‌شوند.

حلاج کیش

سه شنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۲، ۱۱ ربیع الثانی ۱۴۴۶، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۴، شماره ۴۵۶۸، صفحه ۷

محمد مهاجری:

اصولگرایان تندرو، کل این جناح را به سمت اضمحلال می‌برند



سرویس سیاسی – محمد

مهاجری، روزنامه‌نگار و تحلیلگر اصول‌گرا معتقد است مقصد اصلی انحراف‌هایی که در جریان اصول‌گرا ایجاد شده، خود اصول‌گرایان اصلی هستند که فضا را برای رشد تندروها فراهم کردند و آنها را جدی نگرفتند.

محمد مهاجری، به آسیب‌های جریان اصولگرا پرداخت. **بخش‌هایی از گفت‌وگو را می‌خوانید:**

«با نگاهی به تاریخ سیاسی جمهوری اسلامی و در بررسی‌ای که از روند فعالیت اصول‌گرایان انجام می‌دهیم، متوجه خواهیم شد که این جریان از دهه هفتاد به بعد دچار انشعاب‌هایی شده و هرچند وقت یک‌بار، عده‌ای از افراد از جریان اصلی اصول‌گرا فاصله گرفته‌اند. علت این انحراف از اصل‌ها و انشعاب‌ها در جریان اصول‌گرا چیست؟

از ابتدای انقلاب دو جریان سیاسی چپ و راست همیشه در کشور وجود داشتند که در دهه هفتاد نام‌شان تبدیل در اصلاح‌طلب و اصولگرا شد. هر دو جریان چپ و راست در ابتدای انقلاب دچار تندروی بودند و حتی جریان‌های چپ تندروی بیشتری داشتند. اما از دولت دوم آقای هاشمی جریان راست تا حد قابل توجهی از آقای هاشمی فاصله گرفت زیرا آقای هاشمی دنبال این بود که اقتصاد را به سمت اقتصاد بازار آزاد ببرد و برخی از افراد چپ را به استخدام درآورد.

این جریان که از دولت آقای هاشمی شروع شده بود، به دولت آقای خاتمی رسید. آقای خاتمی که آمد شعارهایی که می‌داد، شعارهایی بود که به‌زعم برخی دوستان اصول‌گرا کاملاً با فضای مذهبی و ارزشی فاصله داشت. مثلاً وقتی آقای خاتمی شعار گفت و گوی تمدن‌ها را مطرح می‌کردند، برخی می‌گفتند که این شعار غربی‌هاست و ما که اصلاً مشکلی با ادیان نداریم. همچنین آقای خاتمی از آزادی و جامعه مدنی حمایت می‌کرد، برخی دوستان اصول‌گرا تصورشان این بود که این گزاره‌ها مقابل جمهوری اسلامی و دین رسمی کشور است.

همین‌ها ملات کافی را فراهم می‌کرد تا بخشی از جریان اصول‌گرا که تقید دینی بیشتری داشتند عصبانی شوند و برخورد کنند. در جریان اصول‌گرا چهار‌های معتدل‌تری وجود داشتند اما بخش جوان‌تری از جریان اصول‌گرای که حمایت برخی مسن‌تر‌ها را هم به همراه داشتند، آمدند فضای تند و افراطی‌گری را راه انداختند. مثلاً این جریان مدتی شروع به حمله به تجمعات دانشجویی کرد. به تدریج جریان اصول‌گرای تندرو تقویت شد، این جریان که تقویت شد چون دارای قدرت بزن‌بهدار بود، چون مقدار قابل توجهی خودسر بود و حتی توجهی به حرف بزرگترهای اصول‌گرا نداشت، کم‌کم به جایی رسید که خودش احساس استقلال کرد.

خیلی از چهار‌های جریان اصول‌گرای معتدل، حتی بدشان نمی‌آمد وقتی این جریان تندرو در مقابل اصلاح‌طلبان قرار داد، اتفاقاً از آنها حمایت کند. به نظر من، آید جریان اصلی اصول‌گرایسی اینجاد دچار یک اشتباه استراتژیک بزرگ شد و متوجه نبود که این جریان تندرو در حال تحریک کل بنیان‌های اصول‌گرای است و قوه علیه رقیب نیست، بلکه دارد یک فضای افراطی‌گری را در کشور نهادینه می‌کند.

این تندروی نهادینه چه کاری انجام می‌دهد؟ اگر مثلاً فرض کنید فردی اظهار نظر می‌کند، یک عده کفن بیوشند و به خیابان‌ها بیاند و با بی‌سیاست دولت موقت نیستند، شروع کنند به ناسزا گفتن. جریان اصلی اصول‌گرا تا مدت زیادی طرفدار این کار بود، چون در واقع هزینه‌ای که باید خودش می‌داد را به گردن اینها انداخته بود اما بعد از مدتی جریان تندرو به جریان اصلی اوصول‌گرا تبدیل شد و سعی می‌کردند با برانگیختن احساسات جوان‌تر‌ها، آنها را وسط آورده و به عبارتی آنها را تبدیل به ابزار کنند و به تدریج دیدیم که آن جریان تندرو که جریان فرعی هم بود، حتی به جایی رسید که در انتخابات ۱۴۰۲، یکی از همین‌ها به آقای حداد عادل هتاکی کرد و آن داستان چنار و پاچوش پیش آمد.

یعنی این جریان تندرو افراطی به عنوان یک جریان انحرافی که ابتدا زنده‌ای در جریان اصول‌گرای بود، عملاً آمد و خودش را جایگزین جریان اصول‌گرایسی کرد و امروز می‌بینیم که جریان معتدل اصول‌گرای در مقابل جریان افراطی که خودش آن‌ا متولد کرد، زانو زده است.

«در بین مباحثی که این جریان‌ها مطرح می‌کنند، همیشه یکی از ایرادهایی که به غیر از خودشان گرفته‌اند، بحث توسعه است. آنها می‌گویند دولت هاشمی و خاتمی دنبال مدل‌های توسعه غربی بودند و باید دنبال این مدل‌ها رفت. مشکل اینها با توسعه چیست و چرا مدل‌های موفق توسعه را رد می‌کنند؟

در واقع دعوا سر لحاف ملو بود و بر سر این نبود که توسعه می‌خواهند یا نمی‌خواهند. این را می‌گفتند که توسعه غربی نمی‌خواهیم اما حرف اصلی این بود که چرا توسعه دست ما نباشد. وقتی آقای احمدی‌نژاد آمد در صدر دولت قرار گرفت، اتفاقاً در بخش فرهنگی تمام کارهای توسعه‌ای را پیش می‌برد که آقای خاتمی می‌خواست پیش ببرد. حتی ایقدر می‌خواستند کار را پیش ببرند که یک جریان انحرافی به نام آقای مشایری را در کنارشان رشد دادند. بنابراین من اعتقاد دارم که اصل مسئله توسعه نبود، مسئله اصلی این بود که چرا ما این کار را انجام نمی‌دهیم. اما یک انتقادی هم به موضوع داشتند و این بود که مدل توسعه آقای هاشمی را ضد‌عدالت می‌دانستند. می‌گفتند آقای هاشمی معتقد است که باید کشور را از لحاظ اقتصادی پیش ببریم حتی اگر میلیون نفر دچار فقر شوند و با این مدل بخشی از مردم فقیر شوند. به همین علت بود که بعدها آمدند و در مجلس هفتم اجازه ندادند بنزین گران شوند درحالی‌که در دولت آقای خاتمی، افزایش قیمت بنزین به عنوان یکی از ابزارهای توسعه مطرح بود.

«سرانجام این جریان به کجا خواهد رسید و چه درون‌نمایی برای این روند می‌توان ترسیم کرد؟

نمی‌دانسم و اقا جریان اصول‌گرای منطقی به سمت عقلانیت خواهد رفت یا خیر. اگر به سمت عقلانیت نرود، این مسیر به سمت اضمحلال کامل اصول‌گرای خواهد رفت. این اضمحلال البته به این معنا نیست که جریان‌های اصول‌گرا از بین خواهند رفت و احزاب‌شان از بین می‌روند بلکه به این معناست که تفکر جریان اصول‌گرای شکست مطلق خواهد خورد و روی میز جز یک بسری شعار تند غیرعملیاتی چیزی نخواهند داشت؛ آن وقت مجبورند کاملاً اقتضای عمل کنند.

برای مثال، وقتی جریان تند اصول‌گرا مقابل برجام قرار می‌گیرد، می‌رود و همه چیز را خراب می‌کند، وقتی در مقابل FATF قرار می‌گیرد، همین‌راه را تکرار می‌کند و وقتی اینها را نفسی می‌کند، چیزی برای اثبات ندارد و چیزی برای جایگزینی ندارند. نتیجه عملی این است که در حوزه اقتصاد قطعاً به فروپاشی منجر شوند و در حوزه فرهنگ و اجتماع هم کاری نمی‌کنند جز اینکه اعتماد اجتماعی را به حداقل می‌رساند و اعتماد به حاکمیت را از بین می‌برد، نانوانی و ناکارآمدی سیستم را روزبه‌روز تقویت می‌کند و کار را به جایی می‌رساند که نه مردم حرف حاکمیت را می‌فهمند و نه حاکمیت متوجه حرف مردم می‌شود و این خود باعث ایجاد شکافی عظیم بین دولت – ملت خواهد شد.

کلید سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲